

نامه مارکس به براک

لندن، پنجم ماه مه، ۱۸۷۵

براک عزیز: پس از خواندن یادداشت های انتقادی که در حاشیه برنامه وحدت نوشته شده است، لطفاً آن را برای گیب، آور، بیل و لیکنشت بفرستید تا آنها نیز (مضمون یادداشت ها) را مورد بررسی قرار دهند. این روزها بسیار گرفتارم و حتی ناچارم از حدی که طیبیان مجاز دانسته اند، بیشتر کار کنم. به این خاطر، گرچه نوشتن این نقد مفصل "لذتی" دربر نداشت، ولی به هر حال کار لازمی بود تا شاید به این وسیله در آینده رفقای حزبی که مخاطب این یادداشت ها هستند از اقدامات من تعبیر سوئی نکنند.

پس از برگزاری کنگره وحدت، من و انگلس بیاتیه ای به این مضمون صادر خواهیم کرد که موضع ما با اصول و مواضع این برنامه کاملاً متباین است و منکر هرگونه ارتباطی با آن خواهیم شد.

چنین بیاتیه ای ضروری است، زیرا در خارج این عقیده ی کاملاً نادرست شایع و از سوی دشمنان حزب تقویت شده است که ما بطور پنهانی رهبری همه ی فعالیت های حزب به اصطلاح ایزناک^(۱) (Eisenach Party) را در دست داریم. برای مثال، اخیراً یکی از کتب روسی^(۲)، نه تنها مرا مسئول تمام برنامه ها و جملگی اقدامات حزب قلمداد کرده است، بلکه مسئولیت تمام اقدامات لیکنشت را از زمان پیوستنش به حزب^(۳) (People,s Party) مردم به من نسبت داده است.

به علاوه، وظیفه من ایجاب می کرد که حتی با یک سکوت دیپلماتیک هم برنامه ای را که به نظرم کاملاً قابل اعتراض است و منجر به تضعیف روحیه حزب خواهد شد، به نوعی تائید نکرده باشم.

اهمیت یک قدم واقعی برای یک جنبش، بیش از ده ها برنامه است. بنابر این اگر نمی شد برنامه ای بهتر از برنامه آیزناک ارائه کرد و شرایط زمان اجازه ی چنین کاری را نمی داد، کافی بود موافقت نامه ای برای فعالیت علیه دشمن مشترک تدوین شود. ولی با تهیه ی برنامه ای که حاوی اصول حزب است (به جای تعویق آن به زمانی که دوره ای طولانی از فعالیت مشترک، شرایط را آماده کرده باشد) حزب در واقع اسنادی به جهان ارائه کرد که براساس آن جهانیان سطح نهضت حزبی را خواهند سنجید.

رهبران لاسالی ها به حکم ضرورت زمان به کنگره آمدند و اگر از قبل اطلاع می یافتند که بر سر اصول برنامه، بده بستان هانی خواهد شد، ناچار به یک برنامه ی عملی و یا به یک طرح تشکیلاتی برای مقابله با دشمن مشترک، رضایت می دادند. ولی به جای مطلع ساختن آنها، (طرفداران ما) به آنها اجازه می دهند که با انبانی از احکام به کنگره بیایند، این احکام را به نوبه خود صائب می شمارند و به این ترتیب خود را تسلیم کسانی می کنند که خود محتاج یاری اند، و دست آخر به عنوان حسن ختام به آنها اجازه می دهند که قبل از کنگره ی وحدت، کنگره ی خود را تشکیل دهند، در حالیکه دیگران پس از کنگره وحدت، می توانند دست به تشکیل کنگره ی خود زنند. البته، در چنین موقعیتی، با وقوف به علاقه ی کارگران به وحدت، هر کس مشتاق است که انتقادات را تعدیل کرده و برای حزب خود فرصت تأمل و تعمق را قائل نباشد، ولی اشتباه است. اگر ندانیم که برای چنین موفقیت لحظه ای چه بهای گزافی پرداخته ایم.

حتی با چشم پوشی از تانید آیه های لاسالی، بقیه ی برنامه هم چندان چنگی به دل نمی زند.

در آینده ای بسیار نزدیک، چاپ فرانسوی کاپیتال را برایتان خواهم فرستاد. سانسور دولت فرانسه، چاپ این کتاب را برای مدتی نسبتاً طولانی به تعویق انداخت، ولی شاید بالاخره این هفته یا اوایل هفته از زیرچاپ در بیاید. نمی دانم

شش بخش قبلی را دریافت کرده اید یا نه؟ لطفاً آدرس برنارد بکر*
BERNHARD BECKER را برایم بنویسید چون بخش های آخر کتاب را باید
برای او نیز بفرستم.
این کتابفروشی ولکستات^(۱) (Volksstaat) هم سبک کار عجیبی دارد. برای مثال،
تاکنون حتی یک نسخه از کتاب محاکمات کمونیست های کلن را برای من نفرستاده
است.

با تقدیم احترام

کارل مارکس

* - بکر (۱۸۹۱-۱۸۲۶) یک تاریخ نویس و شخصیت سرشناس آلمان بود که در آغاز
پیرو لاسال بود و سپس به حزب سوسیال دمکرات کارگران پیوست. م.